



جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سوالات
و پروپوننت‌های دانشگاهی

Jozvebama.ir



فصل اول : کلیات

۱. انقلاب در علوم سیاسی به دو صورت به کار برده می شود : (تعریف انقلاب)

هر نوع تغییر و تحول سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه بدون توجه به نوع و جهت تغییر یا تغییر در ارزش های مسلط جامعه.

مورد دیگر استعمال انقلاب در مفهوم وسیع تر و جامع تر و با توجه به تغییرات بنیانی در همه ی ارزش ها و نهادهای مسلط است که از آن اغلب به عنوان انقلاب کبیر یاد می کنند.

۲. انقلاب از نظر جامعه شناسی چیست و عناصر آن:

از نظر جامعه شناسی انقلاب به معنای یک تغییر ریشه ای و بنیانی و عمیق در جامعه و ساخت های اجتماعی به ویژه زمانی که به صورت ناگهانی و اغلب با خشونت بیان شده است. در جامعه شناسی انقلاب دارای سه عنصر اساسی است

۱. عمل ارادی در آن دخیل است

۲. عامل تقدس و تعالی در آن نهفته است.

۳. عنصر نفی و انکار در آن دخالت دارد.

۳. انواع دگرگونی های سیاسی اجتماعی

رفرم یا حرکت اصلاحی: رفرم با حرکت اصلاحی به معنای ایجاد تغییرات و اصلاحات قانونی در ساختار نظام سیاسی حاکم توسط نظام حاکم و عموماً تحت فشار و خواست

گروه های اجتماعی و بدون خون ریزی و جدال میان گروه های اجتماعی و نظام سیاسی شکل می گیرد مثل نهضت مشروطه.

کودتا: حرکتی توطئه آمیز و غیرقانونی است که توسط گروهی اندک، ولی صاحب ابزار مادی قدرت به منظور سرنگونی نظام حاکم و به دست گرفتن قدرت سیاسی صورت می گیرد.

نهضت های استقلال طلبانه: حرکت های مردمی علیه حاکمیت بیگانه را نهضت استقلال طلبانه می گویند در کشورهایی که تحت عناوین استعمار، استعمارنویا حتی اشغال نظامی قدرت های خارجی سلطه و نفوذ دارند و سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشورها را در اختیار دارند عموماً با قیام های مردمی حکام بیگانه به چالش کشیده شده و از کشور اخراج می گردند.

نهضت های جدائی خواهانه: حرکتی مردمی در جهت استقلال وجدایی از حاکمیت دولت مرکزی می باشد. در این نوع از نهضت ها بخشی از کشور به علل گوناگون از جمله تفاوت های قومی، قبیله ای و نژادی، مذهبی یا زبانی و حتی بعد جغرافیایی در صدد تفکیک و جدائی منطقه مورد نظر خود از سایر بخش های کشور بوده و به دنبال نوعی خود مختاری و بعضاً جدایی از حاکمیت مرکزی باشند.

شورش: حرکتی خود جوش و مردمی و عموماً بدون رهبری علیه حاکمیت و دولت مردان حاکم به منظور نفی و اسقاط آنها می باشند و عموماً شورش ها یا به فرم با به کودتا و با در نهایت به انقلاب ختم می گردد.

انقلاب: انقلاب یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بیانی در ارزش ها و باورهای مسلط به نهادهای سیاسی ، ساختارهای اجتماعی ، رهبری ، روش ها و فعالیت های حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی است.

با توجه تعریف انقلاب سیاسی، اجتماعی، عوامل و ویژگی های آن را نام ببرید
مردمی است.

با خشونت همراه است.

ارزش های مسلط را تغییر می دهد.

سریع و ناگهانی است.

سیستم سیاسی حاکم را دگرگون می کند.

دارای رهبری و سازماندهی است .

مبانی نظری انقلاب را نام ببرید؟

۱. شرایط و اوضاع و احوال جامعه ای که به صورت بالقوه برای شکل گیری و تحقق انقلاب مساعد است.

۲. عواملی که منجر به بروز و پیروزی انقلاب می گردد

۳. عواملی که تداوم ، انحراف و با شکست انقلاب را به دنبال خواهد داشت .

۶. عوامل بروز شرایط انقلابی با توجه به ویژگی های رژیم حاکم رانام بپرید؟ شرایط و اوضاع و احوال جامعه ای به صورت بالقوه برای شکل گیری و تحقق انقلاب مساعد است)

۱. حکومت خود را بر پایه ی فشار سیاسی و اختناق روز افزون اداره می کنند
۲. اقلیت محدودی و در اغلب موارد تنها یک نفر کلیه ی اختیارات تصمیم گیری و اجرایی را در همه ی زمینه های سیاسی اقتصادی اجتماعی در کنترل خود دارند.
۳. فساد به طور اعم به ویژه فساد مالی و رشوه خواری در سطح گسترده ای در میان گروه حاکم شیوع و رواج دارد.
۴. چنین حکومت هایی اکثرا بر طبقه سرمایه دار و مرفه تکیه دارد.
۵. برای حفظ حکومت خود و تداوم آن ، بر نیروی نظامی قوی و وفادار به خود تکیه می کنند.
۶. به لحاظ اینکه از حمایت مردمی برخوردار نیستند در مقابل فشارها و اعمال نفوذ قدرتهای خارجی تسلیم پذیر بوده و بیشتر به آنها تکیه می کنند.
۷. رسانه های گروهی را در کنترل خود داشته و با تبلیغات وسیع افکار جامعه را در جهت خواسته های حکومت هدایت می کنند
۸. به رفاه و آسایش و بهبود عمومی وضع جامعه بی توجه هستند و نتیجتا توده های محروم روز به روز فقیرتر و اقلیت حکام و وابستگان آنها از رفاه بیشتری برخوردار می شوند.
۹. به ارزش های حاکم بر جامعه از جمله به باورهای مذهبی و آداب و رسوم قاطبه مردم بی توجهی وی اعتنایی می کنند.

۷. شرایط و اوضاع و احوال جامعه ای که به صورت بالفعل برای شکل گیری و تحقق انقلاب مساعد است را نام ببرید؟

۱. رژیم دچار تنگناهای مختلف و به خصوص مشکلات حاد مادی می شود.

۲. قادر به جذب نیروهای زبده و ورزیده از نخبگان و روشنفکران برای اداره ی امور جامعه نمی گردد.

۳. در حل مشکلات پیچیده ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عاجز و ناتوان می شود.

۴. قدرت سیاسی در اثر رهبری ضعیف، سازماندهی نامناسب، اعتماد به نفس و توانایی خود را در اداره ای امور جامعه از دست داده و به موازات این عدم کارایی از میزان تحمل و بردباری گروه های اجتماعی کاسته می شود.

۵. مقبولیت و مشروعیت رژیم در نظر اکثر گروه های اجتماعی از دست می رود.

۶. رژیم هر چه بیشتر از طبقات اجتماعی دور شده و حتی کسانی که از قبل رژیم منتفع می شدند با بروز ضعف در سیستم حاکم به تدریج از آن کناره می گیرند.

۸. عوامل شتابزای بروز انقلاب را نام ببرید؟

عوامل شتابزا آنهایی هستند که با ظاهر ساختن ناتوانی نظام سیاسی و تزلزل در انحصار آن بر قوه ی قهریه، بروز انقلاب را ممکن می سازند و به آن روند شتاب می بخشند.

سه نوع عامل شتابزا را می توان نام برد:

۱. عواملی که بر قوای مسلح مستقیماً تأثیر گذارده و موجب تضعیف آنها می شود ، مانند تأثیر انضباط ، اطاعت از فرماندهی ، سازماندهی ، ترکیب با وفاداری افراد در نیروهای مسلح.

۲. عواملی که موجب تقویت روحی نیروهای انقلابی بشود به طوری که باور داشته باشند می توانند بر قوای مسلح حکومت فایق آیند

۳. عملیات موفقیت آمیز یک گروه انقلابی بر ضد قدرت سیاسی که موجب تقویت روحی گردیده و تلاش های آنها را افزایش می دهد.

از دیگر عوامل شتابزا می توان به از هم پاشیدگی قوای نظامی در اثر شکست در جنگ خارجی ، شورش در میان نفرات ارتش یا اختلاف میان نخبگان حکومتی ، و عوامل روانی و ایدئولوژیک اشاره کرد.

نوع دیگر عوامل شتابزادارای ماهیت راهبردی است به این معنا که انقلابیون نقشه ای برای مغلوب ساختن نیروهای مسلح که موقعیت مستحکمی دارند و بر ابر تغییر مقاومت می کنند ، طراحی و پیاده کنند. از جمله راهبردهای انقلابی می توان موارد زیر را نام برد: نفوذ ورخنه ی موثر در دستگاه حکومتی توسط عوامل انقلابی و ضربه زدن از داخل به سیستم سیاسی

قیام چریکی توسط گروهی محدود ولی مسلح

قیام عمومی مردم و حرکت همگانی توده ها از طریق اعتصابات و تظاهرات و مبارزه ی منفی برای فلج کردن ماشین بوروکراسی قدرت سیاسی.

عوامل پیروزی انقلاب (شکل گیری قدرت اجتماعی) را نام ببرید؟

مشارکت مردمی: مرحله ی مقدماتی هر انقلابی همانا مشارکت عموم مردم در انقلاب است که به صورت انفجاری حاد در داخل جامعه صورت می گیرد.

رهبری: چنانچه این مشارکت و حضور مردم از رهبری قوی برخوردار نباشد ، و در رهبری نتواند این حرکت را به نحو مطلوبی هدایت کند و یا تحرک لازم را در تشکیل نهادهای لازم سیاسی اجتماعی ایجاد کند، به پیروزی انقلاب نمی توان امیدوار بود. بنابراین، انقلاب زمانی موفق است که تحولات سیاسی اجتماعی ایجاد شده با رهبری و تشکیلات جدیدی برای شکل دادن خواسته ها و حرکت های اجتماعی همراه باشد.

مشخصات رهبر انقلاب را در سه مورد باید بررسی کرد:

الف) نظریه پرداز انقلاب و یا بنیان گذار مکتب فکری و طراح ایدئولوژی انقلاب، :

نظریه پرداز انقلاب با راهگشای فکری انقلاب نه انتخابی است و نه انتصابی . به خاطر انتصاب وی به این مقام از وی تبعیت نمی کنند ، بلکه بر پایه ی نظریاتش به او باور پیدا می کنند و دعوتش را به خاطر منطقی که در اصالت پیام و اندیشه او می یابند ، می پذیرند برخورد افراد در برابر یک نظریه پرداز و با رهبر فکری انقلاب همانند برخورد با یک نظریه ی علمی یا مکتب فلسفی و یا مذهب است . رابطه ی آشنایی و آگاهی آنها نسبت به اصالت فکرو حقانیت مکتب ، ارزش های علمی، اخلاقی ، عملی وی و مکتب وی و در نتیجه ایمان و اعتقاد به وی می باشد که نوعی ارادت ، تعصب ، تعهد ، همگامی و فداکاری در راه وی را به دنبال خواهد داشت .

ب) رهبر یا قهرمان و فرماندهی کل عملیات انقلاب:

اما چهره ی دیگر رهبری قهرمان یا فرماندهی انقلاب است ، شخصیتی که بر اساس ایدئولوژی انقلابی در یک جامعه ی انقلابی نحوه ی احقق و پیروزی سریع انقلاب را طراحی

می کند. چنین رهبری معمولاً دارای نبوغ و استعداد و خلاقیت ویژه ای است و شرایط اجتماعی همان طور که برای اکثر افراد جامعه غیر قابل تحمل و منزجر کننده است برای وی نیز همان وضعیت را دارد.

فرمانده ی انقلاب ، چهره نیرومندی است که پس از نظریه پرداز و پیش از معمار ظهور می کند او همچنین انقلاب را از بن بست ها ، مهلکه ها ، پرتگاه ها و خطرهای نجات می دهد و با نبوغ و استعداد ذاتی ویژه ی خود سکان هدایت کشتی جامعه ی انقلابی را به دست می گیرد . و با کشف عوامل شکست و دشواری ها و تحمل ضربه ها ، بر جامعه ی خویش و بر تقدیر تاریخی ملت خویش چیره گشته و نهایتاً بر خصم فایق آمده و انقلاب را به سوی پیروزی هدایت می کند. در نتیجه ، اوست که انقلاب را از قوه به فعل در آورده.

ج- زمامدار حکومت انقلابی یا سیاستمدار و یا در واقع معمار جامعه ی بعد از پیروزی انقلاب: تعیین زمامداریا معمار حکومت پس از انقلاب، همچون هر زمامدار سیاسی ، به نظام سیاسی خاص بستگی دارد که انقلاب ایجاد می کند . یعنی ممکن است از طرف رهبر انقلاب یا کمیته شورای انقلاب و یا حزب انقلابی حاکم نصب شود ، یا کاندید شده و از طرف مردم انتخاب شود.

ایدئولوژی یا مکتب انقلاب: عنصر متغییری که به جدایی بین گروه های اجتماعی منجر می گردد ، ایدئولوژی آنها یا به عبارت دیگر ساخت ارزشی هر یک از گروه هاست . بدون وجود ایدئولوژی مشترک گروه های پراکنده ی اجتماعی هرگز قادر به اتحاد با یکدیگر نیستند و در نتیجه تنش های موجود در جامعه بدون تأثیر بر ساخت اجتماعی مضمحل و ناپدید خواهند شد.

ایدئولوژی ، نیازهای روحی افراد آشفته و ناراضی جامعه را با سه برنامه پاسخ می دهد:
الف) چگونه باید نظام سیاسی موجود را تغییر داد (تخریب).

ب) وبه جای آن چه چیزی را جایگزین کرد (سازندگی)

ج) و نهایتاً راه عزیمت از نظام مطرود و نیل به نظام مطلوب چگونه می باشد (راهبرد).

ایدئولوژی های انقلابی از سه نوع هستند:

۱. ایدئولوژی هایی که در صددند تا نظام ارزشی و فرهنگی سنتی را که دیگر متداول نیست ولی در تاریخ و اذهان جامعه به عنوان یک نظام ایده آل و ارزش های مطلوب شناخته شده احیا و برقرار کنند.

۲. ایدئولوژی هایی که در جوامع دیگر تجربه ی موفقیت آمیز داشته و انقلابیون آن را به عنوان یک الگو انتخاب و در صدد پیاده کردن و دنباله روی از آن هستند.

۳. ایدئولوژی هایی که جامعه ای نوین و آرمانی را که قبلاً در هیچ کجا وجود نداشته و شناخته نشده و آشنا نیست و تنها بر اساس منطق و در کتاب ها یافت می شود، تبلیغ می کنند.

انقلاب جامع و کامل دربرگیرنده ی چه اقدامات است؟

الف) نابودی و تخریب نهادهای سیاسی موجود همراه با خشونت و سرعت

ب) تشکیل گروه های جدید اجتماعی و تأمین مشارکت آنها در فعالیت های انقلابی

ج) تأسیس نهادهای سیاسی جدید

سه گروه اجتماعی شکل دهنده پروسه انقلاب را ناوبرید؟

در این پروسه ، سه گروه اجتماعی ظاهر می شوند که عبارتند از: انقلابیون رادیکال ، میانه رو ها و محافظه کاران.

انقلابیون رادیکال که اکثراً از میان قشر جوان و محروم جامعه هستند هسته ی اصلی را در حرکت های انقلابی تشکیل می دهند. هدف اصلی آنها گسترش انقلاب و شرکت هر چه بیشتر مردم در آن است که برای آن دلایل تاکتیکی و ایدئولوژیک هم ارائه می دهند.

میانه رو ها اصولاً با حرکت های تند انقلابی و براندازی موافق نیستند. آنها نه وابستگی نزدیک به سیستم سیاسی دارند و نه با اتخاذ روش های تند و خشن در مقابل سیستم قرار می گیرند. این گروه اجتماعی معمولاً از طبقات متوسط و مرفه شهری و تحصیل کرده بوده و از نظر سنی نیز معمولاً جا افتاده و مسن هستند. این قشر در برخورد گروه های رادیکال با حاکمیت سیاسی سعی می کنند با در دست گرفتن موقعیت و قدرت راه میانه ای برگزیده و طبیعتاً در تلاش ایجاد نوعی از دولت قانونی لیبرال و به اصطلاح دموکراتیک. محافظه کاران اصولاً با هر نوع تغییر و تحول به مخالفت برمی خیزند.

مرحله ی سوم بعد از پیروزی انقلاب؛ تأسیس نظام سیاسی جدید

برای رهبران و گروه های انقلابی مشکل ترین ، پیچیده ترین و در اقع سخت ترین مراحل انقلاب و دوران بعد از پیروزی بر رژیم سیاسی حاکم است اهم مسائلی که انقلابیون در این مرحله با آن مواجه اند از این قرار است:

الف) بعد از شکست قدرت سیاسی حاکم ، قدرت اجتماعی جایگزین آن شده و انقلابیون ناچارند سریعاً وظایف و مسئولیت های نظام سیاسی را بر عهده بگیرند و از عهده ی اجرای آنها بر آیند در حالی که به دلایلی از جمله عدم آشنایی با ماشین دولتی ، فقدان تجربه ی کافی و نداشتن نیروی متخصص و مجرب با گرفتاری های زیادی مواجه خواهند بود.

ب) با سقوط نظام سیاسی مطرود ، مبارزه و درگیری انقلابیون تمام نمی شود بلکه به صورتی دیگر و احتمالاً با شدتی بیشتر از گذشته ادامه خواهد داشت . این مبارزه درد و جناح داخل و خارج حوزه ی حاکمیت انقلابیون خواهد بود . در داخل جامعه باید با دو گروه از مخالفین به مبارزه و درگیری ادامه دهند .

گروه اول کسانی هستند که به رژیم سیاسی گذشته و ابستگی داشته و از آن منتفع می شدند و اینکه منافع و ارزش های خود را با سقوط رژیم مزبور از دست داده و به مخالفت با رژیم انقلابی جدید می پردازند .

گروه دوم آنهایی هستند که در مورد سقوط رژیم سیاسی قبلی با سایر انقلابیون موافقت و تفاهم کلی داشته و حتی همکاری هم میکردند ولی در مورد رژیم بعدی و نوع سیستم جایگزین با یکدیگر توافق نداشته طبیعی است که با همکاران قبلی خود درگیر شده .

در خارج از حوزه ی قلمرو حاکمیت سیاسی نیز انقلابیون با دو نوع مخالفت مواجه می گردند:

نوع اول از جوامعی است که از لحاظ نوع حاکمیت ، سبب ها و ارزش های مسلط وجوه تشابه زیادی با قدرت سیاسی ساقط شده دارند و با شکست سیستم مزبور احساس می کنند که وضع نظام موجود به هم ریخته و بیم این را دارند که پیروزی انقلابیون در جامعه ای دیگر موجبات تشویق گروه های اجتماعی جامعه ی آنها را فراهم کرده و در صدد بر آیند آنچه را که در جامعه ی مشابه رخ داده است تحصیل کنند . به خاطر چنین ترس هایی است که در صدد مخالفت و ضربه زدن به جامعه انقلابی نوپا برآمده و سعی در جلوگیری از تداوم و استحکام و شکل گیری آن می کنند .

نوع دیگر از سیستم های سیاسی در جوامعی است که رابطه بسیار نزدیکی با سیستم سیاسی ساقط شده داشته و حتی منافع و نفوذ زیادی در آن سیستم داشته اند و به خاطر چنین منافی از جمله حامیان رژیمی محسوب می گردند . اینکه با سقوط سیستم سیاسی مزبور منافع توسط گروه حاکم جدید در معرض خطر اساس قرار گرفته .

شیوه و تاکتیک های مخالفت گروه های مزبور تفاوت چندانی باهم ندارد و عمدتاً روی سه رکن اصلی پیروزی انقلاب عمل می کنند.

علل شانس بیشتر کسب قدرت سیاسی برای میانه روها بر رادیکال ها چیست:

زیرا که: اولاً میانه روها از آن گروه های اجتماعی هستند که به رژیم گذشته کمتر وابستگی داشته بالنتیجه در مظان اتهام و طرد فوری نیستند.

ثانیاً میانه روها با خصلت ها و خصیصه های محافظه کارانه ای که داشته اند در عین عدم وابستگی نزدیک با سیستم گذشته با آن به معارضه ی جدی هم نپرداخته اند و در نتیجه تحت تعقیب و فشار نبوده و بالعکس با کسب موفقیت اجتماعی معینی امکان کسب تجربه و تخصص را داشته اند. در حالی که گروه های رادیکال که اغلب جوان بوده و دوران کم و بیش طولانی را در مبارزه با قدرت سیاسی به سر می برده اند امکان کسب تجربه و تخصص کافی را که لازمه ی عهده دار شدن مسئولیت های اجرایی است کمتر داشته اند.

ثالثاً رادیکال ها در شرایط اولیه ی پیروزی ترجیح می دهند برای یک دوره ی انتقالی مدیریت دولتی را به میانه روها بسپارند تا اینکه از هم گسیختن نظام سیاسی اجتماعی و احتمال هرج و مرج جلوگیری به عمل آورند و هم اینکه خود بتوانند به تعقیب باقیمانده ی ضد انقلابیون که در آن تجربه ی بیشتر دارند .

علل شکست میانه روها در اداره ی کشور:

۱. عدم توانایی کافی در درک و حل مسائل و رویارویی با مشکلات آینده بعد از انقلاب

۲. عدم امکان تأمین توقعات ، خواسته ها و فشارهای اجتماعی
۳. عدم قدرت هدایت و رهبری و همچنین جذب گروه های جدید اجتماعی
۴. عدم قدرت جلوگیری از رشد و تداوم حرکت های سیاسی گروه های آسمانی
۵. سرانجام عدم قدرت اتخاذ تصمیمات انقلابی به دلیل نداشتن مشروعیت و مقبولیت سیاسی و اجتماعی کافی

آفات انقلاب را بیان کنید:

نفوذ فرصت طلبها: در همه ی انقلاب ها این گروه با تغییر ظاهر خود و با فریب انقلابیون واقعی در ارگان ها و نهاد های مختلف جامعه حتی در دستگاه رهبری نفوذ کرده و اگر چه ظاهرا خود را انقلابی تر از انقلابیون اصلی نشان می دهند ، ولی چون اعتقادی به آرمان های انقلاب ندارند موجبات انحراف و قلب ماهیت انقلاب را فراهم می آورند.

رجعت تدریجی به ارزش های فرهنگی طرد شده: که در هر جامعه ی انقلابی با سقوط سیستم سیاسی بلافاصله ارزش های مسلط بر آن محو نمی گردند. تأثیر ارزش های مزبور به طول مدت سلطه ی آنها بر جامعه و نفوذ بر مسائل فرهنگی اجتماعی و تربیتی بستگی دارد از جمله ارزش های مذموم از نظر انقلابیون راحت طلبی ، فساد اخلاق و رشوه خواری است.

خستگی نیروهای انقلابی و ازدست دادن روحیه ی انقلابی: یکی دیگر از آفات انقلاب سستی در جناح انقلابیون است . کناره گیری از صحنه به دلیل موفقیت انقلاب و به ثمر رسیدن اهداف آن ، خستگی و یأس از انقلاب به دلیل مواجهه با مشکلات و عدم موفقیت در حل آنها ، ناامیدی از پیاده شدن معیارهای ایدئولوژیک ، که به گوشه گیری و به انزوا کشیدن آنها منجر شده و خود از آفات خطرناک انقلاب است.

فصل دوم شرایط سیاسی اجتماعی قبل از

انقلاب

قدرت سیاسی: قدرت سیاسی قبل از انقلاب، نظام سلطنتی بود که سابقه ۲۵۰۰ ساله داشت. چون قدرت مردمی نداشتند همواره تکیه شان به ارتش با نیروهای برون مرزی بوده است.

دوره سلطنت محمد رضا پهلوی را می توان به دو دوره تقسیم کرد:

۱۴ سال ابتدایی که بسیار پردردسرو با حواشی فراوانی بوده است. از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰ اشغال ایران و نیز حکومت مصدق تا سال ۱۳۳۲ و فرار شاه، سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ بازگشت شاه

۲۳ سال انتهایی که نسبتاً دوره آرامی بوده است و دوره استبداد و دیکتاتوری نام شاه بوده است.

جمع بندی قدرت سیاسی حاکم بر ایران:

قدرت سیاسی حول محور پادشاهی خودکامه و ضعیف النفس بود.

تکیه رژیم بر ارتش بود، ارتشی که امرای مطیع و چاپلوس داشت.

تکیه بردستگاه مخوف ساواک

تکیه بر قدرت های بیگانه بدلیل فقدان پایگاه مردمی

فساد ورشوه خواری مفرط برسیستم اداری حاکم

بالارفتن قیمت نفت و عدم برنامه های عمرانی و اقتصادی صحیح

انزوای قدرت سیاسی از مردم و گروه های اجتماعی و عدم تمایل به جلب حمایت آنها

انحصار تصمیم گیری در یک نفر و ناتوانی حل مسائل ساده و ..

حفظ موقعیت خود در داخل و خارج با نمایشنامه ها و جشن ها و ...

بی توجهی به ارزشهای جامعه و تلاش در جهت نابودی آنها و جایگزینی ارزشهای بیگانه

۲. قدرت اجتماعی که ناشی از اراده مردم است. و در درقبل از انقلاب در اوج اختناق و

فشار بود

فصل سوم: علل و عوامل شکل گیری و

پیروزی انقلاب اسلامی

۱. عوامل پیروزی انقلاب اسلامی را نام ببرید؟ مشارکت گسترده مردمی: در این انقلاب به ناگهان تمامی مردم تقریباً هم زمان و هماهنگ سر برداشته و قیام کردند و هم صدا خواستار تحول و تغییر اساسی یعنی سقوط رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند. دیگر اقشار و طبقات جامعه اعم از کشاورز، کارگر، اصناف، کارکنان دولت، دانشجویان و دانش آموزان شهری و روستایی در همه ی نقاط کشور، بدون آنکه به ائتلاف و یا تفاهم

بر سر خواسته های متفاوت گروه ها نیازی پیدا شود ، همه هم صدا با شعارهای واحد قیام کردند.

تبلور عینی این وحدت و یکپارچگی را می توان در تظاهرات روزهای عید فطر ، تاسوعا و عاشورا در سال ۹۳ در تهران دید. تمام ملت ندای الله اکبر و مرگ بر شاه سر می دادند. مسجد ، کانون مبارزات: مساجد که عبادتگاه مستمر و دایمی مردم بوده و همه روزه برای ادای فرایض مذهبی در شرایط عادی گرد هم جمع می شدند مکانی برای گردهمایی ، مشورت ، تبادل افکار و اطلاعات ، اعتکاف ، تصمیم گیری اجتماعی و مبارزات و فعالیت های اجتماعی هم بوده است. در حقیقت مسجد پیوند دهنده ی سیاست و اعمال عبادی بوده است. در دوران انقلاب هم مساجد مرکز مبارزات ضد رژیم شده بود. حمله به مسجد گوهرشاد در زمان رضا شاه و کشتار مردم ، به توپ بستن حرم امام رضا توسط روس ها و همچنین حمله و به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم در دوران انقلاب ، نشانگر اهمیت مسجد در مبارزات است.

نقش علما و روحانیون : و اما مهمتر از آن نقش روحانیان و علمای مذهبی در رهبری و سازماندهی حرکت های انقلابی است که باید بیشتر به آنها پرداخت. روحانیت در ایران و به خصوص روحانیت شیعه دارای ویژگی های خاصی است که در اجرای نقش مردمی انقلابی آنها فوق العاده موثر بوده است . این ویژگی ها عبارتند از:

الف) جایگاه اجتماعی روحانیان: روحانیان از میان مردم برخاسته ، در میان آنها و مانند آنها رشد و نمو کرده و با درد ورنج آنها آشنا بوده و هیچ گاه ارتباط فرهنگی و معنوی خود را با آنها از دست نمی دهند.

ب) استقلال اقتصادی: برخلاف روحانیان اهل سنت که به استخدام دولت در می آیند و تأمین و امرار معاش آنها به دستمزدی بستگی دارد که از دولت دریافت می کنند ، روحانیان شیعه دارای استقلال مالی از سیستم سیاسی بوده و تأمین معاش آنها به کمک های مختلفی بستگی دارد که از طرف وجوهات شرعی در بانی از مردم مسلمان و معتقد تأمین می شود . به طور طبیعی ، استقلال مالی و تأمین معاش توسط مردم به روحانیان شیعه ،

کمک کرده است تا بتوانند فارغ از هر نوع نگرانی و دغدغه ای ، فعالیت های سیاسی مذهبی خود را بر پایه ی خواسته توده های مردم انجام دهند.

ج) ایجاد ارتباط: طبیعی است که به خاطر عدم دسترسی همه ی مردم در نقاط مختلف به مراجع تقلید روحانیان نقش رابط و منتقل کننده ی افکار و نظریات آنها را داشته و بدون آنکه سلسله مراتبی خاص به وجود آورند به عنوان واسطه میان رهبران بزرگ مذهبی و مردم نقش مهمی را بر عهده می گیرند . نظرات و فتوا های مراجع را برای مردم در مساجد و منابر بازگو کرده و متقابلاً مسائل و مشکلات مردم را به رهبران مذهبی منتقل می کنند و این خود موجب گردیده است که به موازات ساختار سیاسی و دولتی یک ساختار مذهبی که پایه های آن در مساجد قرار دارد به وجود آید و در انقلاب اسلامی مورد بهره برداری قرار گیرد. با توجه به امر اتب فوق ، روحانیان شیعه توانسته اند با کسب قدرت ویژه نقش حساس و مهمی را در جنبش های سیاسی اجتماعی یک قرن اخیر بازی کنند.

رهبری انقلاب اسلامی :

دوران رهبری امام را در انقلاب به چهار مرحله ی متفاوت می توان تقسیم کرد:

الف) دوره ی اول دوره ظهور و تثبیت رهبری سیاسی امام خمینی: این دوره با ظهور امام خمینی به عنوان رهبر سیاسی مذهبی و کسب جایگاه رهبری و مقبولیت سریع ایشان از طرف توده های تشنه ی مردم بود در این دوره از مبارزه امام امت چهار اقدام اساسی انجام دادند

الف) تحریم تقیه: امام با کشاندن مبارزه به کانون اصلی فعالیت های مذهبی ، یعنی حوزه ی علمیه ی قم ، برای همیشه خط بطلان بر تز جدایی دین از سیاست کشید. با متوجه کردن لبه ی تیز حملات خود به لانه و کانون اصلی فساد ، یعنی سلطنت و شخص شاه به شیوه ی محافظه کارانه ی قبلی در مبارزه پایان دادند با حمله ی مستقیم

به نظام سلطه جهانی و تمام قدرت های سلطه گر و درراس آنها آمریکا هر نوع ملاحظه کاری سیاسی را که در گذشته بود کنار زد

ب) دوره دوم امام خمینی به عنوان نظریه پرداز: رهبری امام امت در این مرحله یک دوره فترت طولانی پانزده ساله را گذراند لکن کار اصلی و مهمی که امام در این دوره انجام دادند این بود که به عنوان نظریه پرداز انقلاب با ارائه یک سری دروس حوزوی که تحت عنوان حکومت اسلامی و یا ولایت فقیه معروف است طرح اصلی نظام سیاسی بعد از انقلاب را ریخته و برای کسانی که تا آن زمان بر ایشان حکومت اسلامی نامفهوم و در ابهام بود روشن کردند که در صدد ایجاد چه نوع نظام و حکومتی می باشند

ج) دوره سوم امام خمینی به عنوان فرمانده انقلاب: رهبری امام در این دوره از زمانی شکل گرفت که اولین جرقه های انقلاب در دی ماه ۱۳۹۶ در قم موجب شعله ور شدن آتش زیر خاکستر گردیده و دیری نگذشت که با شعله های خود خرمن هستی سیستم سیاسی حاکم بر ایران را سوزاند و برای همیشه به نظام طولانی ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی خط بطلان کشید. در این دوره ، امام امت با تشخیص موقعیت مناسب و با بیداری و حرکت مردم درنگ و تأمل را جایز ندانسته و فرماندهی انقلاب را بردوش گرفت و بدون هیچ گونه سازش و مصلحت طلبی سرنگونی رژیم را دنبال کرد

شیوه ای که در این دوره امام امت برای رهبری و نهایتا از رخنه و نفوذ همه کسانی که با شامه ی قوی خود پیروزی قریب الوقوع را احساس کرده و سعی در نزدیک شدن به مقام رهبری داشتند جلوگیری کردند.

برخورد قاطع ایشان با رژیم شاه و عدم سازش و گذشت در راه تحقق اهداف مبارزه با موقعیت مناسبی که در پاریس از نظر دسترسی به رسانه های گروهی دنیا به دست آمده بود امام از این موقعیت برای رساندن پیام انقلاب به گوش جهانیان حداکثر استفاده را کرد

د) دوره چهارم امام خمینی به عنوان معمار انقلاب: این دوره که حساس ترین و مشکل ترین دوره ی رهبری انقلاب بود ، دوره ای که رهبر انقلاب هم به عنوان رهبر سیاسی

اجتماعی و هم به عنوان رئیس حکومت می بایست کشتی هیجان زده ی انقلاب را به ساحل آرامش و سکون هدایت کند. در طول یک سال پایه های نظام اسلامی را با انجام چندین انتخابات در طول کمتر از یک سال از جمله رفراندوم جمهوری اسلامی ، انتخابات مجلس خبرگان ، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و تدوین و به رفراندوم گذاردن قانون اساسی تثبیت و تحکیم کرد و بدین وسیله قابلیت و توانای کار خود را در اداره ی جامعه ی بعد از انقلاب نشان داد

مکتب انقلاب : یکی از وظایف مهم رهبری تدوین و ارائه ایدئولوژی و با مکتب انقلاب است در ایران از اوایل قرن اخیر سه مکتب نظری متفاوت مطرح و گروه های اجتماعی را به سوی خود فرا می خوانده اند:

۱. ناسیونالیسم یا ملی گرایی: در اندیشه ی واضعان غربی ناسیونالیسم به معنای آن است که گروهی از مردم که در مرزهای جغرافیایی معین با نژاد و سابقه ی تاریخی و زبان و فرهنگ و سنن واحد گرد آمده اند، به اعنوان یک واحد تفکیک ناپذیر مینا و اصل قرار داده و آنچه را در حمله ی منافع و مصالح و حثیت و اعتبار این واحد قرار گیرد خودی و دوست و بقیه را بیگانه و غیر خودی بدانند. البته این مکتب نتوانست در میان توده های مردم جایگاه محکمی برای خود بدست آورد. از یک طرف ، ناسیونالیسم با اعتقادات مذهبی مردم در تعارض بود زیرا که معنا و تعریف غربی ها از ملت که ادعای جدایی خون و نژاد را می کردند. در اسلام خرافه ای بیشتر نبود از طرف دیگر ویژگی های خاص جامعه ی ایرانی با معیارهای ناسیونالیسم نطبق نمی کرد.

مارکسیسم لنینیسم یا سوسیالیسم: بعد از پیروزی انقلاب روسیه در سال ۱۵۱۳ کمونیسم توجه نیروهای انقلابی پرشور و جوان که از بی عدالتی ها و شکاف عظیم طبقاتی در دنیا در عذاب بودند به خود جلب کرده و به عنوان تنها مکتب انقلابی به

سرعت گسترش یافت این جنبش علی رغم فعالیت و تلاش زیاد و حمایت های مالی و سیاسی شوروی به دلایل زیر ناموفق تر

از لیبرالیسم و ناسیونالیسم بود

الف) ماهیت الحادی و اساس مادیگری مارکسیسم لنینیسم با طبیعت جامعه ی ایرانی و اعتقادات عمیق مذهبی مردم ایران در تضاد جدی بود و نمی توانست مقبولیت عام داشته باشد.

ب) وابستگی شدید مارکسیست ها به مسکو با توجه به سوابق تلخ رو ابط تاریخی ایران و روسیه موجب میشد که نه تنها آنها را گروهی غیر مستقل و وابسته به بیگانه شناخت بلکه خود نیز بازچه دست سیاست های بین المللی روسیه ی شوروی تلقی کردند.

مکتب اسلام: و اما اسلام به عنوان یک مذهب و مکتب الهی در اعماق قلبها و ارواح اقشار وسیع جامعه نمود تاریخی داشت ، مذهبی که در روستاها و شهرها در میان طبقات فقیر و غنی ، کارگر ، کشاورز و کارمند دانشجو و روشنفکر حداقل به عنوان راه و رسم زندگی افراد و احوال شخصیه ی آنها حاکم بود.

ویژگی هایی که مکتب اسلام را از سایر مکتهای سیاسی جدا می کرد و به آن امتیاز و جلوه ی خاصی می داد در جهان بینی آن نهفته است که خطوط مشخصه ی آن عبارت است از

الف) واقعیت و هستی مساوی با ماده و طبیعت نیست (ماده پرتوی از واقعیت مطلق است)

ب) جهان مادی پدیده ای است که از هستی و واقعیت مطلق سرچشمه می گیرد و دارای مبدا و مدیری عالم حکیم و قادر است

ج) در جهان بینی الهی جهان هستی تحت سرپرستی و ولایت الهی قرار دارد

د) در این جهان بینی انسان ها دارای بعد مادی نیست بلکه بعد معنوی هم دارد

د) انسان موجودی ابدی و جاودانی است و با مرگ فانی و نابود نمی شود
و) انسان موجودی است آزاد و مسئول که با اختیار حرکت تکاملی خود را به پایان می
رساند
ز) زندگی در این جهان مرحله ای است که انسان در آن تحصیل کمال می کند و با عمل
خود زندگی ابدی و حیات جاودانی را تأمین می کند.

فصل چهارم: عوامل شتابزا در پیروزی انقلاب

اسلامی

- اجرایی کردن سیاست حقوق بشرکارت در ایران

سیاست حمایت کارتر رئیس جمهور آمریکا از حقوق بشر که در دوران مبارزات انتخاباتی خود بر آن تکیه کرده بود و فشاری که او به حکام دیکتاتور و ابسته به آمریکا در جهان سوم از جمله شاه ایران وارد آورد منجر به این گردید که فشار لازم برای کنترل و مهار مخالفین کاهش یافته و سیاست لیبرالیزه کردن این جوامع که هنوز آمادگی بهره برداری از آزادی را نداشتند موجب از هم گسیختن روند عادی زندگی و نظام سیاسی ایران گردید، به طوریکه رژیم شاه دیگر نتوانست اوضاع را کنترل نماید و اغتشاشات و تظاهرات و هم چنین اعتصابات سراسری گسترش یافته و منجر به سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب گردید

- بروز مرض سرطان در شاه و تأثیر آن بر مدیریت نظام سیاسی

شاه در سال ۱۹۷۴ در یک سفر تفریحی اسکی وجود غده ای را در شکم خود احساس می کند در مراجعه به دو متخصص فرانسوی تشخیص سرطان غدد لنفاوی داده و شاه را از همان زمان تحت رژیم شیمی درمانی قرار می دهند. شاه، با توجه به ضعف نفسی که داشت اجازه نداد کسی از کسالت او آگاهی پیدا کند.

تأثیر این کسالت در روحیه ی شاه به دو طریق مورد بحث قرار گرفته است:

الف) شاه با آگاهی از اینکه چند صباحی بیشتر زنده نمی ماند تصمیم گرفته بود محیط و فضای سیاسی ایران را برای واگذاری قدرت به فرزندش چه در حیات خود و چه در هنگام مرگ مساعد و فراهم کند.

ب) تأثیر دیگری که این کسالت روی شاه داشت مسئله اثر داروهای مسکن و تخدیر کننده بود. بدین معنا که این داروها مصرف کننده را دچار نوعی تزلزل در اراده و بی تصمیمی می نماید

- تلاش شاه در مدرنیزاسیون سریع کشور و عدم آمادگی جامعه عقب افتاده و سنتی ایران برای چنین پیشرفتی شاه چون خدمتگزاری دلسوز برای کشور بود برساند و می خواست عقب افتادگی کشور را سریعاً جبران کرده و ایران را به دروازه تمدن بزرگ برساند شتاب به خرج داد و چون جامعه ی سنتی ایران نمی توانست اجرای این همه پروژه ها را در مدتی کوتاه هضم کند دچار مشکلات پیچیده ای شد و نتیجتاً ناراحتی ها و نارضایتی ها رشد کرده و موجبات سقوط نظام را فراهم کرد.

- جریحه دار شدن احساسات و اعتقادات مذهبی مردم

عامل اصلی شتابانی انقلاب را نه در حقوق بشرکارتر، نه در مریضی شاه و نه در سیاست مدرنیزاسیون سریع او باید جست و جو کرد. عامل اصلی شتابزای انقلاب جنبه ی مذهبی داشته و به انتشار مقاله ی توهین آمیز به امام و جریحه دار ساختن احساسات مذهبی توده های مردم مربوط می گردد . من جمله شواهدی

الف) کلیه ی تظاهرات مردمی جنبه ی مذهبی داشته و با توسل به سنت های مذهبی عاشورا و اربعین) و اعیاد و مراسم مذهبی بوده است و مطلقا جنبه ی دیگری نداشته است

ب) نقطه عزیمت و محل تجمع مردم مساجد بوده

ج) دعوت برای راهپیمایی و رهبری آنها صرفا توسط روحانیان انجام می شده است

د) خواسته ها و شعارهای مردم مذهبی سیاسی بوده

فصل پنجم شرایط و اوضاع و احوال بعد از

پیروزی انقلاب اسلامی

(مدیریت سیاسی کشور نظام سازی مقابله با توطئه گران و دشمنان انقلاب اسلامی)
(مدیریت بحرانها))

۱. مشکلات عظیم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

از یک طرف با سقوط رژیم شاه مسئولیت اداره سیاسی کشور که دچار نوعی هرج و مرج گردیده بر عهده انقلابیون قرار گرفته و مدیریت سیاسی نمی توان حتی یک روز از آن غفلت کرد

از طرف دیگری بایست به سرعت نظام کمال مطلوب را (جمهوری اسلامی) و براساس مبانی و ارزش های اسلامی طراحی و پایه گذاری نمود.

از طرف دیگر و مهمتر از همه باید برای صیانت از انقلاب و محافظت از آن با تمام نیرو و توان توطئه ها و بحران هایی که دشمنان داخلی و خارجی را خنثی کرد

۲. عملکرد انقلاب اسلامی در مدیریت سیاسی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

تشکیل شورای انقلاب اسلامی: بدیهی است که مسئولیت های شورای انقلاب ، عمده ترین مسئولیت های رهبری انقلاب در داخل کشور محسوب می شد . از اقدامات مهم شورای انقلاب ، مذاکره با مقامات نظامی نیروهای مسلح، دیدارهای دیپلماتیک ، ترتیب دادن مسافرت بختیار به پاریس برای ملاقات با امام، مأموریت راه اندازی نفت و انتخاب رئیس دولت موقت بود. و از پیروزی انقلاب از اولین روزهای ورود امام خمینی بحث های مهمی از قبیل تشکیل دولت موقت، تشکیل مجلس، ایجاد مجلس موسسان (خبرگان) و تغییر قانون اساسی در این شورا مطرح شد.

- تشکیل دولت موقت: این شورا بلافاصله بعد از بازگشت حضرت امام به کشور آقای مهندس مهدی بازرگان را به عنوان نخست وزیر و رئیس دولت موقت به معظم له پیشنهاد و ایشان طی حکمی انتصاب آقای بازرگان را به عنوان نخست وزیر دولت موقت و با مأموریت های معین اعلام و از مردم خواست که حمایت خود را از ایشان اعلام دارند.

- پاکسازی نظام سیاسی موجود: بموازات این امر اقدامات گسترده ای در زمینه پاکسازی در نیروهای مسلح ادارات و موسسات دولتی و عمومی و هم چنین در بخش خصوصی اقتصادی و مالی بعمل آمد اموال و دارایی های عوامل رژیم فاسد کشته منجمله خاندان پهلوی و صاحبان ثروت های وابسته به رژیم شاه مصادره گردیده. در ارتش و قوای انتظامی مانند شهربانی و ژاندارمری تصفیه گسترده ای صورت گرفت

- تشکیل نهادهای انقلابی: ۱. کمیته انقلاب اسلامی، ۲. دادگاه های انقلاب اسلامی ۳. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۴. سایر نهادهای انقلابی که برای رفع کمبودها و مشکلات تشکیل گردید عبارت بودند از جهاد سازندگی برای عمران روستاها و مناطق محروم، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی برای تأمین مسکن محرومان، کمیته امداد امام خمینی برای رسیدگی به خانواده های بدون ویا کم درآمد، کمیته ۱۹ خرداد، بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان

۳. اقدامات و گام های نظام سازی

- مراجعه به آراء عمومی: از نکات جالب و مهم در تأسیس این نظام این بود که بنیاد های آن را بر اراده و خواست ملت انقلابی قرار داده شد و علیرغم اینکه حضرت امام خمینی دارای آن چنان محبوبیت و نفوذی بود و از مشروعیت لازم برای وضع قانون برخوردار بوده معهدنا با یک آینده نگری دقیق و دور اندیشی عمیق از همان لحظه اول خواست و اراده مردم را در برداشتن گام های لازم برای نظام سازی و بر اساس مراجعه به آراء عمومی مورد لحاظ قرار دادند.

امام از دولت موقت خواست تا در اسرع وقت ترتیبات مراجعه به آراء عمومی را برای تعیین نوع نظام فراهم نماید و این کاری بود که در ۱۲ فروردین ۱۳۹۱ که بعدا به نام روز جمهوری اسلامی شناخته شد ۵۱ درصد آراء به جمهوری اسلامی تحقق یافت و ملت با مشارکت گسترده و فوق العاده استثنایی و با رای آری دادند

- تدوین قانون اساسی: دومین گام لازم برای تأسیس نظام موضوع تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی بود که می بایست توسط نهادی از خبرگان و کارشناسان تهیه گردد، امام تشکیل چنین نهادی (مجلس موسسان قانون اساسی) را هم چنان برعهده مردم گذارد. بنابراین حضرت امام در تصمیم جدید خود نام مجلس موسسان قانون اساسی را به مجلس خبرگان قانون تغییر داد.

احزاب و جریان های فکری در آستانه انقلاب اسلامی:

در پی قیام مردم به رهبری روحانیت در ۱۹ دی ۱۳۵۶ و گسترش سریع آن در دیگر شهرها و حتی روستاها، فصل نوینی از مبارزات مردم مسلمان ایران آغاز شد. گستردگی و توفندگی قیام و تظاهرات مردمی سبب شد فعالیت سیاسی و مسلحانه احزاب و گروه های مختلف، کوچک جلوه نماید. از این رو، آنها برای آنکه از حرکت پرشتاب انقلاب اسلامی عقب نمانند، ناگزیر با آن همراه شدند، ولی این همراهی تا جایی ادامه داشت که حرکت انقلاب تضادی با اهداف و منافعشان پیدا نمی کرد. حتی برخی گروه های سیاسی در کشاکش انقلاب اسلامی به دنبال تغییر مسیر انقلاب در جهت دلخواه خود بودند.

تضاد یا تغایر احزاب سیاسی با انقلاب اسلامی از حیث اهداف و خواسته ها، موجب گردید که بیشتر احزاب به مخالفت با انقلاب برخیزند و یا تا حدودی با آن همراه گردند و سپس راه خود را جدا نمایند. در این میان هیئت های مؤتلفه اسلامی همراه با مردم و در جهت اهداف انقلاب عمل کردند. اینک خلاصه وار به بررسی وضعیت جریان های فکری و احزاب در آستانه انقلاب اسلامی می پردازیم.

حزب توده: حزب توده که یکی از احزاب مارکسیستی است و پس از کودتای ۲۸ مرداد منفعل و منزوی گردیده بود، در جریان انقلاب اسلامی سعی داشت با تغییر شعار مردم از

«استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به «استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، درو اقع به نفی جمهوری اسلامی پردازد. آنان همچنين كوشيدند تا از راه های مختلف، شعار «نه شرقی را از شعار معروف نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، حذف کنند و از سویی به گستردن دیدگاه های کمونیستی خود در میان مردم بپردازند. اما پایبندی مردم به اسلام و شمار کم اعضای حزب در مقابل انبوه هواداران انقلاب اسلامی، موجب ناکامی آنها گردید.

از سوی دیگر با توجه به فراگیر شدن گفتمان اسلام گرایی، حزب توده نتوانست نیروهای عمده ای برای تحقق اهداف خود جذب نماید و حتی رهبران آن در زمان انقلاب مجبور شدند با توجه به فضای غالب اسلامی، وجهه اسلامی از خود نشان دهند. این حزب پس از پیروزی انقلاب اسلامی سعی کرد خود را مدافع انقلاب، اسلام و خط امام و بنمایاند. آنها در این راه حتی اصطلاحات خاص اسلامی را به کار گرفتند؛ چنان که مثلاً به جای سوسیالیسم از عبارت «بیش توحیدی، و به جای پرولتاریا نیز از واژه «مستضعفین» استفاده میکردند.

بدین ترتیب، حزب توده و اغلب جریان های فکری - مارکسیستی در جریان و پس از پیروزی انقلاب با اقبال مردمی روبه رو نشدند. عدم تجانس اعتقادی، وابستگی به قدرت های بیگانه و مخالفت با اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی، از جمله دلایل روی گردانی مردم از حزب توده بود. سرانجام در سال های اولیه پس از انقلاب، سران این حزب به همراه شمار زیادی از اعضای نفوذی در ارتش و سایر ادارات، دستگیر و محاکمه شدند

۲. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران: این گروه مارکسیستی که در اوایل دهه ۴۰ با فعالیت مسلحانه، مبارزه خود را شروع کرده بود، در اوایل دهه پنجاه تقریباً از میان رفت. در آن سالها رهبران اصلی چریکهای فدایی خلق دستگیر شدند و پرونده این گروه در همین سال ها بسته شد و به همین دلیل در فضای انقلابی نیز حضور نداشتند. البته

چریکهای فدایی خلق نه پیش و نه پس از انقلاب به دلیل مسلمان بودن مردم، در میان آنان پایگاهی نیافتند.

این سازمان در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نقشی ایفا نکرد. سبب این امر نیز همانند حزب توده، ناهماهنگی اعتقادی و اخلاقی یا به بیانی، تضاد ایدئولوژیکی و بی اعتقادی آنها بود و همچنین وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم آنان به قدرت های خارجی.

تضاد چریکهای فدایی خلق با انقلاب اسلامی، پس از پیروزی آن به اوج خود رسید. آنها از همان ابتدا شورش درگنبد را سازماندهی کردند و بر شورش خلق عرب در خوزستان نیز دامن زدند. آنان شورش قشقایی ها در فارس را تشویق و در بسیاری از شهرهای شمالی کشور فتنه گری کردند. همچنین در کردستان با همکاری احزاب ضدانقلاب به جنگ با حامیان و پاسداران انقلاب اسلامی برخاستند. سرانجام در سال ۱۳۶۲ با دستگیری بیشتر اعضای این سازمان، عملاً قدرت هرگونه فعالیت از آنها گرفته شد.

۳. جبهه ملی ایران: جبهه ملی که یکی از احزاب تاریخ سیاسی اخیر ایران است، از چند حزب کوچک ترتشکیل شده بود: حزب ایران، حزب پان ایرانیسم، حزب مردم ایران و نیروی سوم. وجه اشتراک این احزاب در ترجیح ایرانی بودن بر اسلامی بودن، جدا دانستن دین از سیاست و عملکرد غیر مذهبی بوده است. این جبهه در آبان ۱۳۲۸ از سوی شماری از ملی گرایان ایرانی در شرایط خاص سیاسی دهه بیست با هدف رهانیدن ایران از سیطره انگلیس تأسیس شد.

ملی گراها در حالی که با حضور انگلیس در ایران مخالف بودند و هدف اعلام شده آنها مخالفت با نفوذ انگلیس در ایران و ملی کردن صنعت نفت کشور بود، به آمریکایی ها روی خوش نشان می دادند و خواستار گسترش رابطه با آنها بودند. جبهه ملی در سال های نزدیک به شروع انقلاب اسلامی فعالیت نداشت، اما بار دیگر در سال ۱۳۵۶ به دنبال اعلام فضای باز سیاسی از جانب حکومت شاه - که در ارتباط با سیاست حقوق بشر کارتر انجام پذیرفته بود - به فعالیت پرداخت، اما همچون گذشته رشد نکرد؛ چرا که رهبری

پرجاذبه امام خمینی و موجب شده بود که علاقه مندان به فعالیت های سیاسی، بدان گرایش نیابند.

در جریان انقلاب اسلامی، جبهه ملی با تکیه بر قانون اساسی مشروطیت و تأکید بر اینکه شاه باید سلطنت کند نه حکومت، نشان داد که به موفقیت انقلاب اسلامی و آرمان های آن باور ندارد. آنها در آن اوضاع به گونه ای افراطی کوشیدند تا نظر قدرتمندان خارجی به ویژه آمریکا را به خود جلب کنند تا مقدمات حاکمیت خود را فراهم آورند. این در حالی بود که رهبر انقلاب آشکارا ستیز خود را با بیگانگان اعلام داشته بود؛ چراکه مسبب بسیاری از مشکلات مردم ایران را قدرت های خارجی به ویژه آمریکا و حمایت آنها از شاه میدانست.

جبهه ملی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی اوضاع را برای قرارگرفتن در رأس قدرت، مناسب ارزیابی کرد، از این رو یکی از رهبران این جبهه، یعنی شاهپور بختیارنخست وزیر حکومت شاهنشاهی شد. پذیرفتن این منصب در لحظات پایانی حکومت شاه، مورد مخالفت امام خمینی و مردم انقلابی ایران قرار گرفت و موجب رسوایی و افشای این جبهه در نزد مردم شد. با افشای اسناد جاسوسی و آشکار شدن وابستگی بسیاری از رهبران جبهه ملی در جریان اشغال لانه جاسوسی آمریکا، این رسوایی بیشتر شد؛ تا جایی که بسیاری از آنها ناگزیر به غرب گریختند.

جبهه ملی که با سماجت اهداف خود را دنبال می کرد، پس از انقلاب در جریان تصویب لایحه قصاص در مجلس شورای اسلامی، علیه این لایحه موضع گرفت و از مردم خواست تا در اعتراض به آن راهپیمایی کنند. این امر با مخالفت شدید امام خمینی به روبه رو شد و ایشان با اعلام ارتداد بانیان این راهپیمایی به زندگی سیاسی جبهه ملی در داخل کشور پایان داد

۴. نهضت آزادی ایران: نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ با جدا شدن از جبهه ملی ایران اعلام موجودیت کرد، اما در یکی دو سال اول رشد چندانی نداشت. با شروع مجدد فضای اختناق شاهنشاهی در سالهای نخستین دهه چهل، از این رشد اندک نیز کاسته شد.

نهضت آزادی با این هدف که یک گروه سیاسی - مذهبی باشد، تشکیل شد، ولی عمدتاً به فعالیت سیاسی پرداخت؛ چرا که اساساً فلسفه تأسیس آن نوعی مبارزه سیاسی بود، نه مبارزه با بی دینی. این در حالی بود که بازرگان در مقام یکی از بنیانگذاران این نهضت نیز هدف از تشکیل آن را «حفظ اصالت نهضت ملی در چارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی» عنوان کرده بود.

رهبران نهضت آزادی با وجود انتقادهایشان از شاه، می کوشیدند تا از حدود قانون اساسی خارج نشوند. این نهضت با استفاده از این فرصت، اندکی رشد کرد و بر فعالیت خود نیز افزود. در آستانه پیروزی انقلاب، اطلاعاتی های نهضت آزادی و حتی جبهه ملی رنگ مذهبی نیز به خود گرفت.

با اوج گیری مبارزات مردم، نهضت آزادی همچون دیگر گروه های سیاسی ناگزیر با امواج خروشان مردمی همراه شد، اما بین دیدگاه های آنها با دیدگاه رهبری انقلاب و مردم، تغایر وجود داشت. برای مثال، بازرگان طی مصاحبه ای در سوم بهمن ۱۳۵۷ در مورد بختیار (نخست وزیر وقت) اظهار داشت: «او مردی وطن پرست، بسیار منطقی و دارای تشخیص درست است. این در حالی بود که مردم، بختیار را نوکری اختیار می خواندند. بازرگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در دوران نخست وزیری خود، از خائن شمردن بختیار خودداری کرد؛ حال آنکه امام خمینی با بختیار را به ته مانده استعمار، خائن، ذخیره استعمار، نوکرو مأمور، آدمکش، به تباهی کشاننده مملکت و جانی، معرفی کرد.

نهضت آزادی تا آن زمان هرچند ضعف ها و انحرافات از خود نشان داده بود، برخی سران انقلاب امیدوار بودند که آنان هدایت و اصلاح گردند. در همین راستا، امام خمینی در چهارمین روز بازگشت به ایران، مهندس بازرگان را صرف نظر از گرایش گروهی ایشان، با پیشنهاد شورای انقلاب به نخست وزیری منصوب کرد و پس از پیروزی انقلاب نیز این دولت با نام «دولت موقت انقلاب اسلامی ایران، اداره کشور را برعهده گرفت. اما متأسفانه دولت موقت، جایگاه عناصر جبهه ملی، نهضت آزادی و روشنفکرانی شد که فاقد حساسیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نسبت به غرب بودند. ترکیب و عملکرد

دولت موقت به همان اندازه که آمریکا را نسبت به حوادث آینده انقلاب خوش بین می ساخت، نیروی مذهبی و مردم انقلابی را - که با رهبری امام و وحدت می یافتند - دچار تردید و اضطراب میکرد.؟

نهضت آزادی پس از دردست گرفتن دولت موقت گسترش زیادی یافت، اما به دنبال ملاقات مهندس بازرگان با یکی از مقامات بلند پایه آمریکا و در پی افشای اسناد جاسوسی، به یکباره ازوجاهت نهضت آزادی تا حد زیادی کاسته شد و کار به جایی کشید که بازرگان استعفا نمود. آنچه موجب تغایر دیدگاه ها و عملکرد نهضت آزادی با جریان انقلاب اسلامی شد، عبارت است از: اعتقاد به جدایی دین از سیاست، علم زدگی، وابستگی و خوش بینی به قدرت های جهانی به ویژه آمریکا و نداشتن شم سیاسی.

۵. سازمان مجاهدین خلق: این سازمان در سال ۵۲ تا ۵۴ دچار تحول عمیق در درون خود گردید و بسیاری از نیروهای آن به مارکسیسم گرویدند. کسانی هم که با این اقدام مخالفت کردند، کشته شدند و بدین رو تنها تنی چند در زندان باقی ماندند که پس از آزاد شدن، در آستانه انقلاب اسلامی بار دیگر این سازمان را فعال کردند. این گروه پس از چند سال کار فکری، به اقدامات نظامی علیه شاه روی آورد که البته به سرعت نیز سرکوب شد.

آشنایی آنان با مذهب اغلب از طریق آثار مهندس بازرگان بود؛ چنان که به نوشته خود سازمان، پس از قرآن و نهج البلاغه، آموزش های دینی آنها بر محور کتاب راه طی شده (از آثار مهندس بازرگان) بود که مورد بحث و واکاوی قرار می گرفت. ایدئولوژی آنان نشان میداد که سازمان به روحانیت و مرجعیت اعتقادی ندارد و تنها در اندیشه استفاده ابزاری از آنهاست. یکی از مظاهر بی اعتقادی مجاهدین به اسلام حوزوی، عدم باور به رساله عملیه بود که آن را محصول شرابط دوره فئودالیسم می دانستند. آنها همچنین در مسائل اعتقادی برداشت ویژه خویش را داشتند.

با وجود اختلاف فکری سازمان با روحانیت، مجاهدین تلاش می کردند با روشهای منافقانه، از جایگاه و نفوذ روحانیان و حتی شخص حضرت امام و استفاده کنند. در این زمینه، سازمان فعالیت ویژه ای را آغاز کرد تا شاید از امام و برای خود تأییدیه بگیرد، ولی ایشان با وجود توصیه برخی روحانیون انقلابی، در اقدامی دور اندیشانه از تأیید سازمان مجاهدین خودداری نمود و از آنها کمترین حمایتی نکرد.

سازمان مجاهدین در پیروزی انقلاب اسلامی نقش درخوری نداشت، اما هنگامی که پیروزی را قطعی دید، به ظاهرسازی و روش های منافقانه روی آورد و خود را همراه انقلاب و حرکت مردمی نشان داد و در واقع از همین روی بود که به منافقین شهرت یافتند. اعضای این گروه پس از انقلاب نیز برای بارگیری، باز با همان چهره منافقانه حرکت کرد. پخش گسترده عکس امام خمینی اولاً با آرم سازمان، از اولین شگردهایی بود که در این راستا انجام شد.

منافقین در جذب برخی جوانان موفقیت هایی نیز به دست آوردند؛ آن گونه که تو انستند چندین هزار نفر را در جهت اهداف خود سازمان دهی کنند. امام خمینی و با شناخت دقیق ماهیت آنان، چهره حقیقی شان را برای توده مردم آشکار کرد. سرانجام نیز منافقین به ترور و جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی روی آوردند و بسیاری از رهبران انقلابی و مردم عادی را به شهادت رساندند.

۶. هیئت های مؤتلفه اسلامی: این جمعیت با نظر امام لا و پس از تشکیل جلسات مخفی، ارکان خود را در دو بخش کمیته مرکزی و شورای روحانی - با عضویت جمعی از روحانیون - تنظیم کرد، اما بعدها شاخه نظامی نیز به ارکان آن افزوده شد. مؤتلفه کوشید تا مبارزه منسجمی را بر اساس آرمان های امام آغاز کند. بدیهی است این تشکل به دلیل وابستگی اش به مرجعیت، به مانند مجاهدین خواهان تدوین ایدئولوژی مستقلی نبود. به واقع آنها در امر دین شناسی، تنها به مرجعیت نظر داشتند.

این جمعیت از سازمان دهی کارآمدی برخوردار بود و در طول سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶ پیام های امام خمینی را به سرعت در سراسر کشور توزیع میکرد. هیئت های مؤتلفه اسلامی با سازماندهی مردم و هیئت های مذهبی برای شرکت در راهپیمایی ها و اعتصابات، در پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشت. پس از پیروزی انقلاب نیز این تشکیلات اسلامی همچنان در خط امام و انقلاب باقی ماند.

چکیده سخن اینکه، وقتی در سال ۱۳۵۶ موج عظیم مردمی - براساس آموزه های اسلامی و با رهبری روحانیت - شروع به حرکت کرد، گروه ها و احزاب سیاسی همچون قطراتی کوچک ناگزیر با آن همراه شدند، اما بیشترین گروه ها همراهی را با همدلی قرین نکردند و در هر جا که تو انستند، حرکت انقلاب اسلامی و ایثارگری مردم را به نفع خود مصادره نمودند و از کمترین فرصت ها نیز برای رسیدن به اهداف خود سود جستند.

ب. کودتای معروف به قطب زاده شریعتمداری: برخی از چهره ها پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی در مناصب کلیدی نقش آفرینی هایی داشتند و در نهایت در تغییر راه و روش و انتخاب مسیری متفاوت خود را در مقابل نظام قرار دادند، صادق قطب زاده از جمله ی این افراد است. قطب زاده به این توهم رسیده بود که جمهوری اسلامی از مسیر خود منحرف شده و برای بازگرداندن آن به مسیر اصلی راهی جز برخورد نظامی وجود ندارد البته وی در بازجویی حرکت خود را بر اندازی نظام جمهوری اسلامی نمیدانست و اعتقاد داشت اصلا مسأله بر اندازی نظام جمهوری اسلامی مطرح نبود، بلکه نجات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از دست

کسانی که به نظروی صلاحیت حکومت کردند ندارند، مورد نظر بوده است.

صادق قطب زاده برای تحقق هدف خود حدود یک سال و نیم تلاش کرد ارتباط با برخی از کشورهای منطقه، ارتباط با تنی چند از نظامیان و ارتباط با شماری از روحانیون مخالف، نمونه ای از فعالیت های خام و حساب نشده وی بود که قبل از آن که تعداد بیشتری را آلوده کند، دستگیر شد یکی از مسایل مهمی که در جریان کودتای قلب زاده مطرح شد،

شرکت آیت الله شریعتمداری از مراجع تقلیدان زمان در کودتا بود که منجر به سلب صلاحیت مرجعیت از ایشان شد.

ج. طرح کودتای شبکه نظامی حزب توده: حزب توده، فعالیت‌های خود را در ایران با گشایش دفتر مرکزی و دعوت از اعضای قدیمی برای پیوند مجدد آغاز کرد و در همان حال بخشی از امکانات حزب مخفی باقی ماند که شامل بخش اعظم انبار اسلحه حزب و امکانات جاپ بود. حزب توده همچنین به عضوگیری از میان نیروهای مسلح پرداخت. دشوارترین وظیفه حزب بازسازی وجهه و پایگاه اجتماعی آن بود که برای این منظور استراتژی دوگانه ای در پیش گرفت. با تلاش پیگیر نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فاصله ای کمتر از دو ماه، کلیه اطلاعات کلیدی از عملیات پنهانی حزب توده به دست آمد و سازمان های مخفی و نظامی و شبکه های نفوذی و جاسوسی و طرح های براندازی خرنده و کودتایی حزب توده کشف شد.

۴. تجاوزات نظامی

الف. تجاوز امریکا به صحرای طبس

ب. تجاوز عراق

۵. فتنه: در این بخش به بیان سه فتنه بزرگ و پیچیده که نظام را با هزینه های مادی و معنوی سنگینی مواجه کرد می پردازیم.

الف. فتنه حزب خلق مسلمان با حمایت آیت الله شریعتمداری: شریعتمداری مقابله خود را با امام و انقلاب از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب علنی کرده بود و در جریان تصویب قانون اساسی مخالفت خود را با آن اعلام داشت که با قاطعیت امام عقب نشست

موضوع دیگری که شریعتمداری را دربر ابرامام خمینی (ره) و جمهوری اسلامی قرارداد،
غانله ی آذربایجان و تشکیل حزب جمهوری خلق مسلمان بود

ب. فتنه قائم مقام رهبری : با توجه به کهولت سن امام خمینی، موضوع رهبری انقلاب
اسلامی پس از رحلت معظم له بدون شک جزو یکی از اصلی ترین دغدغه های مسئولان
نظام در طول سالهای اولیه انقلاب اسلامی بود. سابقه ی مبارزاتی و شان علمی و فقهی
آقای منتظری که در آن مقطع به مرز مرجعیت نیز رسیده بود عاملی بود که نقش وی را در
جهت تصدی مسئولیت رهبری، ممتاز و ویژه می ساخت. با توجه به ساده لوحی و
القایذیری و نداشتن ظرفیتهای لازم جهت رهبری، از ابتدا با انتخاب وی مخالف بوده
است. روند مواضع تند آقای منتظری پس از اعدام مهدی هاشمی نه تنها کاهش نیافت که
روز به روز فزونی گرفت. جمیع عوامل یاد شده، همگی دست در دست هم داد تا سرانجام
در ششم فروردین ماه سال ۶۱ یکی از مهم ترین وقایع تاریخ جمهوری اسلامی ایران رقم
بخورد و حضرت امام خمینی با انتشار نامه تاریخی خویش خطاب به آقای منتظری وی را
رسماً از قائم مقام رهبری برکنار کرده و ضمن توصیه به وی مبنی بر دور نمودن خویش از
منافقین، برگ جدیدی از تاریخ جمهوری اسلامی را ورق بزند.

فتنه ۸۸ جنبش سبز:

حوادثی که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ اتفاق افتاد محصول عوامل برنامه
ریزی گسترده و وسیعی بود که از ۲۲ سال قبل به دنبال شکست های پی در پی دشمن در
توطئه های سخت افزارانه اتفاق افتاد. در واقع این حوادث حاصل نقشهای بود که از
سالها قبل از سوی دشمنان انقلاب، طراحی شده بود. در واقع دوران
جنگ نرم بیست ساله، نظام را با دو بحران و حادثه مواجه کرد که می توان اولی را مقدمه
ای برای حادثه دوم برشمرد. در ادامه به توصیف و تحلیل این دو حادثه می پردازیم.

حادثه کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸

فصل ششم: انقلاب اسلامی در مقایسه با

انقلاب های فرانسه و روسیه

۱. موقعیت اقتصادی رژیم های پیش از انقلاب

فرانسه: قبل از انقلاب در فرانسه از هر لحاظ نشانه های روشنی دال بروخامت موقعیت اقتصادی وجود داشت این کشور از پنجاه سال قبل از انقلاب ، دچار مشکلات و بحران های مالی و اقتصادی فراوانی بود

روسیه: روسیه نیز قبل از انقلاب ، از آغاز دهه اول قرن بیستم وضع اقتصادی مطلوبی نداشت . در جنگ خارجی که در این دوره اتفاق افتاد ، بر شدت نابسامانی های اقتصادی افزود، رکود اقتصادی که تا سال ۱۵۵۲ ادامه داشت شرایط ناگواری برای کارگران و دهقانان ایجاد کرده بود، از یک سوبیکاری را سخت دامن زده بود و از سوی دیگر شرایط کار و میزان درآمد این دو طبقه را غیر قابل تحمل ساخته بود

ایران: در حالیکه که در ایران و در اواخر حکومت شاه، رژیم ایران در مطلوب ترین شرایط از نظر اقتصادی فرار داشت با افزایش سریع و غیر قابل پیش بینی درآمد نفت افزایش و رژیم ایران نه تنها تبدیل به یکی از دولت های ثروتمند شد ، بلکه جامعه ایرانی را به یک جامعه کاملاً مصرفی تبدیل کرد.

۲. اقتدار نظامی رژیم های پیشین

فرانسه: در طول پنجاه سال، قبل از انقلاب، مدت ۲۱ سال در جنگ و منازعات مهم بین المللی بود و در این منازعات، نه تنها جزیک ایالت چیزی بدست نیاورد، بلکه دچار شکست ها و خسارت های عظیم مالی و جانی گردید

روسیه: موقعیت نظامی روسیه نیز در اروپا به دلیل جنگ های کریمه و جنگ با ژاپن تغییر کرده بود

ایران: اما ارتش شاهنشاهی ایران برخلاف فرانسه و روسیه قبل از پیروزی انقلاب، در هیچ جنگ خارجی مهمی شرکت نکرده بود. محمد رضا شاه بیش از هر پادشاهی در ایران به نیروهای مسلح توجه و تکیه داشت..

۳. حمایت بین المللی از انقلابها:

فرانسه: پادشاهی فرانسه با توجه به جنگ های طولانی که لویی پانزدهم و شانزدهم با کشورهای همسایه خود منجمله اتریش، روسیه، انگلیس و اسپانیا داشتند، نه تنها در شرایط بحرانی دوران انقلاب از حمایت آنها

۴. پیچیدگی و استحکام رژیمهای قبل از انقلاب:

در حالی که نظام های سیاسی فرانسه و روسیه علی رغم استبداد حاکم بخاطر بی کفایتی های وای پادشاهان و نفوذ افراد ناسالی که در دربار حضور داشتند، هرگز نتوانستند منافع خود را تشخیص دهند و در جهت حفظ ثبات و موقعیت رژیم خود بود مدیریتی مناسب و توانا برقرار نمایند و تغییرات لازم را اعمال کنند رژیم شاه تدریجا اعتماد به نفس و حاکمیت مطلقه، رسید و با برخورداری از مستشرشان ورزیده داخلی و خارجی و به ویژه برخورداری از پلیس مخفی خشنی همچون ساواک از توانایی های لازم برای حفظ و تداوم قدرت مستبد خود برخوردار شد

۵. مقایسه قدرت اجتماعی در ایران و فرانسه و روسیه پیش از انقلاب

در ایجاد و تشکل قدرت اجتماعی و سه رکن اساسی قابل تشخیصی هستند مردم، رهبری، ایدئولوژی

مردم: در فرانسه و روسیه میزان مشارکت مردم در براندازی رژیم های مستبد حاکم بسیار اندک بود اما انقلاب ایران همه اقشار مردم از همه طبقات و گروه های اجتماعی در سراسر کشور اعم از شهرها و روستاها و همه و همه چرخ های اقتصاد و اداری کشور را از کار انداختند. و در مقابل رژیم تا دندان مسلح با دست خالی ایستاد و آنها را ساقط کردند.

رهبری انقلاب

در انقلاب های فرانسه و روسیه ، رهبران انقلاب از طبقات، متوسط و بالای جامعه بودند در حالی که در انقلاب اسلامی و ابسته و متعلق به طبقات محروم و فقیر جامعه بودند در انقلاب های فرانسه و روسیه ، به ویژه در انقلابه روسیه ، رهبران و مدافع و نماینده طبقه ای بودند که خود متعلق به آن طبقه نبودند ولی در انقلاب اسلامی رهبران انقلاب، دقیقاً مدافع طبقه ای بودند که از آن طبقه برخاسته بودند.

در انقلاب های فرانسه و روسیه طبقه روشنفکر و تحصیل کرده و رهبری انقلاب را بر عهده داشت و اشراف و روحانیون نقش ضد انقلاب را بازی می کردند . در حالی که در انقلاب اسلامی، رهبری ضد انقلاب را روشنفکران و ابسته به چپ و راست بر عهده داشتند و روحانیون نقش اصلی را در هدایت انقلاب بازی کردند.

انقلاب فرانسه و روسیه ما به چهره شاخصی که همه ویژگی های سه گانه رهبری را در خود داشته باشد و از نظر ارائه ایدئولوژی ، فرماندهی انقلاب و سازندگی بعد از انقلاب و دارای استعداد، نبوغ و قدرتی همچون رهبری در انقلاب اسلامی باشد ، برخورد نمی کنیم

ایدئولوژی یا مکتب انقلاب:

لیبرالیسم در فرانسه و مارکسیسم در روسیه هرگز نتوانستند خمیرمایه لازم را در ایجاد تشکیل تحرک انسجام و وحدت اقشار و توده های جوامع خود فراهم کنند و تنها به عنوان ایدئولوژی طبقه خاص روشنفکر باقی ماندند

در حالی که مکتب اسلام از ۱۴۰۰ سال قبل به ایران وارد شده و مردم با آن مانوس بودند و قالب مردم به آن اعتقاد داشتند.

فصل هفتم: دستاوردهای انقلاب اسلامی

۱. در سطح ملی

تاسیس نظام سیاسی دینی: انقلاب اسلامی معتقد بود نه تنها می توان بلکه می بایست زندگی را بر مدار داده های وحیانی اداره کرد و اساساً حق حاکمیت از آن خداست.

شکل گیری جامعه ی ولایی: با پیروزی انقلاب اسلامی ، و رای شاکله ی ظاهری نظام ، چاقوبی با عنوان جامعه ی ولایی ایجاد شد که بر همه ی ابعاد نظام سایه می انداخت

۲. در سطح جهان تشیع

خروج از حاشیه و استقرار در مرکز جهان اسلام: انقلاب ایران اولین بار بود که شیعیان از پوسته ی انزوا برون آمدند و داعیه دار حکومتی مستقل در جهان شدند

الگوی مبارزات آزادی بخش: دومین اثر را می توان در خروش و جوششی جست که جهان تشیع را به یک باره دربر گرفت. جامعه ی شیعه که قرن ها بی حراست و حفاظت از خود و با تکیه بر اصل تقیه ، روحیه ای غیر انقلابی و تسلیم پذیر پیدا کرده بود، به یک باره به جامعه ای انقلابی بدل شد

جهانی شدن گفتمان شیعه: سومین اثری که انقلاب اسلامی در جوامع شیعه برجای گذارد ، تعمیم اتکار و اندیشه های شیعه و به عبارتی دیگر جهانی شدن گفتمان شیعه بود ؛ گفتمانی که تحت عناوین عدالت ، ولایت ، جهاد و شهادت ، استکبارستیزی و مقاومت مطرح شد.

۳. در سطح جهان اسلام

بیداری اسلامی: موج انقلاب اسلامی می رفت تا سراسر جهان را فرا گیرد و حرف از صدور انقلاب بود . نه تنها شیعیان که همه ی مستضعفان جهان اخبار روز ایران را دنبال می کردند. این همه برنگرانی و ترس اربابان قدرت جهانی می افزود و طبیعی بود که آنان را به فکر چاره بیندازد . انقلاب اسلامی در مصر ، سودان ، الجزایر . تونس ، لیبی ، یمن و ... باز تولید می شد و این همه برای غرب خطرناک بود.

بازگشت به خویشتن خویش: انقلاب اسلامی هرگز خود را در چارچوب جغرافیای ایران محدود نمی دید بلکه خود را انقلابی جهانی تلقی می کرد

۴. در سطح جهان مستضعفین (جهان سوم) :

انقلاب اسلامی و در واقع انقلاب محرومان و مستضعفان بود و نیز از آنجا که این انقلاب ، انقلاب غلبه بر سلطه گران و مستکبران عالم بود ، توجه زیادی را به خود جلب کرد

۵. سطح نظام بین الملل: انقلاب اسلامی نه تنها داعیه اداره ی حکومت بر مبنای شیوه ای جدید را داشت بلکه از اداره ی جهان سخن می گفت و برای خود رسالتی جهانی قائل بود. انقلاب اسلامی مرزهای جغرافیایی را نمی دید ، بلکه مرزهای انسانی و عقیدتی را برمی تافت . درست از همین رو بود که سراسر جهان موطن انقلاب اسلامی شد. نفی دو ابرقدرت جهانی توسط انقلاب اسلامی خود بر جاذبه های این انقلاب و شگفتی آفرینی او می افزود.

فصل هشتم: آسیب شناسی انقلاب

حفظ ویژگی های این سه رکن اساسی (مردم، مکتب، رهبری) اقتدار نظام و انقلاب، میتواند همچنان موجب تداوم و توسعه آن گردد و هر نوع آسیبی که به این سه رکن وارد آید و موجات زوال تدریجی و انحطاط انقلاب را فراهم خواهد کرد.

۱. در بعد ایدئولوژی: آسیب هایی که می توان بر این مکتب وارد آید. گوناگون است و در اینجا صرفا به بعضی از آن می پردازیم. اشاعه اسلام غیر سیاسی و اسلام التقاطی ، و اسلام لیبرالیستی از جمله آفات و آسیب هایی است که باید هوشیارانه با آنها مقابله کرد و جلوی روح و نفوذ آنها را گرفت.

۲. در بعد رهبری یکی از نوآوری های امام خمینی (قدس سره) ارائه اصل ولایت فقیه و ایجاد نظام سیاسی بر همین پایه می باشد . در واقع ولایت فقیه عمود خیمه انقلاب است و تجربه این سه دهه به اثبات رسانیده است که بدون این نهاد ، چیزی از انقلاب اسلامی و نظام مولود آن نمی توانست باقی بماند. هر اقدام با تفسیری که در جهت تضعیف این اصل اسلامی صورت گیرد و موجب تضعیف رکن رهبری انقلاب می گردد و به سمت افول پیش خواهد رفت.

۳. در بعد مردم؛ تردیدی نیست که مشارکت و حضور گسترده توده های مردم در صحنه انقلاب از عوامل اصلی و مهم پیروزی و خنثی نمودن توطئه های دشمنان و تداوم انقلاب

Jozvebama.ir

بوده است. هر تلاشی که موجب غیبت مردم از صحنه سیاست صورت گیرد، آسیبی جدی بر انقلاب وارد خواهد آورد.



میزوه باما



جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سؤالات
و پروپونته‌های دانشگاهی

Jozvebama.ir

